

## تطور تاریخی دیدگاه مفسران در تفسیر واژه کوثر

حمزه شریفی دوست<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۷/۱۱، صفحه ۲۴۴ تا ۲۵۶ (مقاله پژوهشی)

### چکیده

در این نوشتار سیر مواجهه مفسران صاحب نام فریقین درباره تفسیر واژه «کوثر» مورد واکاوی قرار گرفته و تطور تاریخی گرایش مفسران به اقوال مربوط به «کثرت نسل» انعکاس یافته است. توسعه معنایی و مصداقی واژه «کوثر» که به تدریج در قالب احتمال و حتی نظریه به کتب تفسیری راه یافته، حاکی از این است که مفسران به مصداق روایی کوثر که همان نهر بهشتی است، اکتفاء نکرده و با کاوش در معنای لغوی و قرائن موجود در سوره و بخصوص سیاق سوره کوثر، مصداق وسیع تری از جمله «کثرت نسل» را برای تفسیر واژه کوثر پذیرا شده اند. از این رو هرچه به قرون اخیر نزدیک تر می شویم، توجه مفسران به مصداق عینی تر از جمله «خیر نسلی» بیشتر شده و به تدریج بر تعداد این دسته از مفسران افزوده شده است. کثرت نسل پیامبر خاتم بعنوان یکی از مصداق «خیر کثیر» از این حیث که ملازم با توجه به دخت گرامی پیامبر اسلام بوده، در قرون اخیر مفسران را به تأمل بیشتر در فقرات سوره و بهره گیری از شواهد تاریخی واداشته و در نتیجه فاطمه س نه تنها بعنوان واسطه و مجرای این خیر، بلکه «فاطمه زهرا بعنوان مصداق اتم کوثر» به صورت نظریه ای مطرح به منابع تفسیری راه یافته است. تکثیر کمی و کیفی نسل پیامبر و انتساب آن به حضرت فاطمه از این نظر که مستند به قرائن لغوی، معنایی و تاریخی می باشد نشان دهنده منزلت قرآنی حضرت زهرا س نیز تلقی می شود.

کلیدواژه‌ها: تطور تاریخی، تفسیر فریقین، کوثر، کثرت نسل، خیر کثیر، حضرت فاطمه (س).

<sup>۱</sup> دانش آموخته دکترای مدیریت و قرآن دانشگاه بین المللی المصطفی (ص)، [sharifi1313@yahoo.com](mailto:sharifi1313@yahoo.com)

## درآمد

سوره شریفه کوثر به اتفاق مفسرین یکی از سور مکی قرآن است که خطاب به پیامبر اسلام نازل شده است. این سوره که کوتاه ترین سوره قرآنی قلمداد می شود مشتمل بر ۳ آیه، ۱۰ کلمه و ۴۳ حرف می باشد. سوره کوثر بدلیل در برداشتن بخششی ویژه به پیامبر اسلام، از صدر اسلام مورد پرسش اصحاب و بعدها مورد واکاوی مفسرین کتاب وحی قرار گرفته است. در کتب تفسیری و تاریخی به شأن نزول این سوره اشارت رفته و به از دنیا رفتن برخی از فرزندان پیامبر و سپس خرده گیری و زخم زبان قریش به رسول اکرم پرداخته شده است.

## طرح مسئله

کهن ترین تفاسیر که معمولاً تفاسیر روایی می باشند، با استناد به روایات نبوی به نهر بهشتی به عنوان تفسیر «کوثر» اشارت داشته اند. از سوی دیگر، همه تفاسیر قرون اولیه با استناد به منابع لغوی، معنای «خیر کثیر» را بعنوان معنای کوثر پذیرفته اند. آنچه قابل توجه است توسعه ای است که توسط مفسران به تدریج در متون تفسیری نسبت به معنای لغوی ایجاد شده است. این توسعه معنایی در گام اول مبتنی بر توسعه لغوی و استناد به قالب فاعل (مبالغه در کثرت) بوده و در مراحل بعدی توجه به استشادات تاریخی (مشاهده عینی کثرت نسل پیامبر در قرون چهارم به بعد) و در گام سوم متکی به تأملات بیشتر مفسران در فرازهای سوره و مددگرفتن از سیاق و دیگر قرائن داخلی این سوره کوتاه بوده است. تطور تاریخی رویکرد مفسران به تفسیر واژه کوثر به صورت زیر قابل توضیح و گزارش است.

### ۱- کوثر بعنوان مکانی (نهری) در آخرت

اولین تفسیر کهن که به یکی از صحابه جلیل<sup>۱</sup> القدر امام سجاد و صادقین ع مربوط میشود، تفسیر ثمالی (حدود سال ۱۳۰هجری) است. ابوحمزه ثمالی همان صحابه ای است که دعای معروف ابوحمزه از زبان امام سجاد ع به او تعلیم شده است. حاکم نیشابوری از محدثین اهل سنت، در کتابش (المستدرک) ابوحمزه را توثیق کرده و روایاتش را معتبر میدانند.<sup>۱</sup> در این کتاب تفسیری با اقتصار به مصداق اخروی کوثر، در ضمن یک حدیث از خبر پیامبر نسبت به مشاهده مکان اخروی کوثر یاد شده است.<sup>۲</sup> در تفسیر مقاتل بن سلیمان که در قرن دوم تدوین شده، از نهر بهشتی بعنوان مصداق کوثر نام برده شده و ویژگیهای این نهر با استناد به روایات تشریح شده است.<sup>۳</sup> در تفسیر فرات کوفی - که در قرن سوم هجری نگاشته شده - با ذکر دو روایت که یکی مربوط به

۱. حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۲، ص ۴۷۴، ج ۴، ص ۲۲۲.

۲. ثمالی، تفسیر القرآن الکریم، ص ۳۶۶.

۳. تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج ۴، ص: ۸۷۹.

خنده پیامبر در هنگام نزول و دیگری به گریه پیامبر مربوط میشود، به تفسیر سوره کوثر پرداخته است. در روایت اول که مربوط به خنده پیامبر هنگام تلقی سوره کوثر از فرشته وحی بود نقل شده که اصحاب مشاهده کردند پیامبر سرش را بالا آورد و تبسمی فرمود. آنها از علت خنده حضرت پرسیدند: حضرت فرمود که الان سوره ای بر من نازل شد و سپس سوره را تا آخر قرائت فرمود.

روایت دوم، روایتی است که گریه پیامبر را گزارش میکند. در این روایت آمده که پیامبر کوثر را اینگونه تعریف میکند که کوثر نهری است که زیر عرش خداوند جاری میشود (يَا عَلِيُّ الْكُوْثَرُ نَهْرٌ يَجْرِي مِنْ تَحْتِ عَرْشِ اللَّهِ) سپس پیامبر مشخصات این نهر مشتمل بر رنگ و مزه و ظاهر و میوه را برای اصحاب نقل فرمود به گونه ای که حضرت و اصحاب به گریه افتادند. آنگاه پیامبر رو به علی ع کرد و فرمود: یا علی! به خدا قسم کوثر فقط برای من نیست، بلکه برای من و برای تو و برای محبان تو بعد از من می باشد. (وَاللَّهِ يَا عَلِيُّ مَا هُوَ لِي وَحْدِي وَإِنَّمَا هُوَ لِي وَلَكَ وَلِمَجِيئِكَ مِنْ بَعْدِي).<sup>۱</sup> در تفسیر قمی که یکی از منابع کتب اربعه می باشد و در قرن سوم به نگارش درآمده، اینگونه آمده که ابتر نام فردی در جاهلیت بود که چون فرزندی نداشت، به او ابتر میگفتند. عمرین عاص در مسجد در حالی که پیامبر حضور داشت گفت: «یا ابا ابتر، ما از محمد ص تنفر داریم». اینجا بود که سوره کوثر نازل شد. در این کتاب، معنای ابتر را فردی ذکر کرده که نه دین دارد و نه نسب («هُوَ الْأَبْتَرُ» یعنی لَا دِينَ لَهُ وَلَا نَسْلَ

در تفسیر علی ابن ابراهیم به نقل از ابن عباس آمده که مراد از کوثر نهری بهشتی است که خداوند در عوض ابراهیم فرزند پیامبر، به نبی خاتم بخشیده است.<sup>۲</sup>

## ۲- اضافه شدن «کثرت پیروان» به معنای محتمل کوثر

شاید بتوان اولین تفسیری را که به دیگر مصادیق کوثر هم اشاره کرده، تفسیر قشیری دانست. قشیری در تفسیر لطائف الاشارات که قدیمی ترین تفسیر باطنی (در قرن پنجم) شمرده میشود یکی از احتمالات را «کثرت امت» و «کثرت پیروان» ذکر میکند.

## ۳- نام بردن از «قرآن» به عنوان مصداق کوثر

<sup>۱</sup>. تفسیر فرات کوفی، ص ۶۱۰.

<sup>۲</sup>. حویزی، نورالثقلین، ج ۵، ص ۶۸۳.

تفسیر دیگری که گامی فراتر گذاشته و غیر از نهر بهشتی، از «خیر کثیر» بعنوان معنای کوثر و از «قرآن» به عنوان مصداق کوثر نام برده، «تفسیر معانی القرآن» نوشته فراء است.<sup>۱</sup> فراء یکی از نحویون بزرگ است و تفسیرش از تفاسیر ادبی اهل سنت محسوب میشود.

#### ۴- توسعه در معنای کوثر بعنوان کثرت عددی و مقداری

تفسیر ثعلبی که یکی از قدیمی ترین تفاسیر روایی (مربوط به قرن پنجم) بوده و علامه مجلسی آنرا یکی از مصادر بحارالانوار هم قرار داده است،<sup>۲</sup> در ده صفحه به تفسیر این سوره کم حجم پرداخته است. در این تفسیر با استناد به اینکه وزن فاعل یکی از استعمالاتش بیان کثرت است (مثل نوفل بمعنای هدیه ارزشمند) از ابن عباس نقل شده که عربها به کسی که نسلی نداشت، ابتر و صنوبر می گفتند. پیامبر فرزند پسری از خدیجه دنیا آورد که نامش عبدالله بود و بعد از آنکه عبدالله وفات کرد قریش پیامبر را ابتر خطاب میکردند. بعد از آنکه عاص پیامبر را ابتر خطاب کرد سوره کوثر نازل شد. نکته قابل دقت آنکه ثعلبی با اندکی توسعه در معنای لغت، کوثر را به نهر بهشتی منحصر ندانسته و می گوید: که عرب به هر چیز که در عدد یا مقدار، کثیر و فراوان باشد، کوثر می گوید (العرب یسمی کل شیء کثیر فی العدد أو کثیر فی المقدار الخطر، کوثر).<sup>۳</sup>

ثعلبی حدیث خنده پیامبر هنگام نزول سوره کوثر را نقل کرده و ادامه حدیث را اینطور نقل کرده که پیامبر فرمود کوثر نهری است که حوضی دارد و در قیامت که امت بر این حوض وارد میشوند، من به خداوند میگویم: خدایا این امت من است. خداوند در پاسخ می فرماید: تو نمیدانی بعد از تو چه کردند! (أنک لا تدری ما أحدثوا بعدک). قابل توجه آنکه این حدیث در کتب مهم اهل سنت یعنی صحیح مسلم و سنن کبری با اندکی اختلاف نقل شده است.<sup>۴</sup>

#### ۵- ذکر مصادیق وسیع تر با عنوان «ما اعطی النبی»

طبری که از مفسران بزرگ اهل سنت است در تفسیر روایی خود به نام جامع البیان در چند دسته از روایات نبوی به نقل کلام گروهی از راویان پرداخته که کوثر را با شمول بیشتری نسبت به تفاسیر پیشین معنا کرده اند. طبری اگرچه به مصداق نهر بهشتی تمایل بیشتری نشان میدهد؛ اما به ذکر قولی که تا آن زمان در کتب تفسیری سابقه نداشت پرداخته و در چند روایت به نقل از عکرمه و سعید بن جبیر، تفسیر

۱. فراء، معانی القرآن، ج ۳، ص: ۲۹۶.

۲. قابل ذکر است که برخی ثعلبی را از اهل سنت دانسته، اما آقا بزرگ تهرانی در الذریعه و علامه مجلسی در بحار وی را از مفسران شیعی میدانند. شاید بتوان گفت که نقل اقوال اهل سنت در این تفسیر بخاطر رویکردی است که ثعلبی داشته و سعی کرده که روایات مرتبط با یک موضوع را جمع آوری کند.

۳. ثعلبی، الکشف و البیان (تفسیر ثعلبی)، ج ۱۰، ص: ۳۰۸.

۴. بیهقی، السنن الکبری، ج ۲، ص ۴۳، مسلم، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۲.

کوثر را با عباراتی مانند «نهر و غیره» و «الخیر کله»، «ما أعطی النبی من الخیر و النبوه و القرآن»<sup>۱</sup> به اصحاب نسبت می‌دهد. با دقت در عبارات طبری می‌توان دریافت که وی به تعریف واژه کوثر اکتفا نکرده و با توسعه بیشتر در مصداق، کوثر را عام<sup>۲</sup> تر از تفاسیر پیشین (عبارتی مانند «ما أعطی النبی») معرفی می‌کند. بخصوص که وی همه این قیود را از روایات نقل میکند و بدون آنکه در سند و یا دلالت روایات خدشه‌ای وارد کند، قول مربوط به نهر بهشتی را صرفاً بخاطر «تبع روایات» اولی به پذیرش می‌داند.<sup>۲</sup>

شیبانی که خود از متکلمان امامیه است، در تفسیر نهج البیان، مصداق متعدد کوثر را که روایان پذیرفته‌اند از جمله قرآن، نهر بهشتی، مقام شفاعت، خیراتی که خداوند به پیامبر اعطا کرده را نقل کرده است.<sup>۳</sup>

#### ۶- توسعه جدید معنایی «ما من شأنه اکثره»

مفسر بزرگ شیعی طوسی در تفسیر تبیان (قرن پنجم) ابتدا از ابن عباس نقل کرده که کوثر یعنی خیر کثیر و سپس دو حدیث مجزا از عایشه و ابن عمر نقل کرده که کوثر را نهری در بهشت معرفی کرده‌اند.<sup>۴</sup> شیخ طوسی با کاوشی بیشتر در واژه اعطاء آنرا به معنای اعطای تملیکی معنا کرده است. (إخراج الشيء إلى أخذ له فاعطاء الكوثر، اعطاء تملیک كاعطاء الاجر). اما در نهایت می‌گوید: کوثر هر چیزی است که کثرت از شأن او باشد. «(الکوثر) الشيء الذي من شأنه اکثره»<sup>۵</sup> با اندکی دقت معلوم میشود که شیخ طوسی اگرچه از منظر لغوی کوثر را همان خیر کثیر معنا میکند، اما با پذیرش تنقیح مناط معنایی، «کوثر» را شأنی معنا کرده و توسعه معنایی و مصداقی را به عنوان نظریه مختار خویش بیان میکند. این نظریه در قرون بعد هم تقویت شد و مفسران بنامی هم‌چون بیضاوی خیرهایی مثل علم و عمل و شرف دنیوی و اخروی را به مصداق خیر اضافه کردند.<sup>۶</sup>

#### ۷- ورود «کثرت نسل» بعنوان مصداق کوثر به کتب تفسیری

اولین کتاب تفسیری که واژه «کثرت نسل» را بعنوان تفسیر کوثر بیان میکند، مجمع البیان طبرسی در قرن ششم است. طبرسی بعد از نقل اقوال متعدد در مصداق کوثر همچون قرآن، نهر بهشتی، شفاعت به دو مصداق جدید یعنی کثرت اصحاب و کثرت نسل در تفسیر کوثر اشاره میکند و با ذکر

۱. طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن؛ ج ۳۰، ص ۲۰۸.

۲. جامع البیان، ج ۳۰، ص ۲۰۹.

۳. شیبانی، نهج البیان عن کشف معانی القرآن، ج ۵، ص: ۴۲۷.

۴. طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۴۱۷.

۵. همان ص ۴۱۷.

۶. بیضاوی، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، ج ۵، ص ۳۴۲.

این دلیل که «لفظ کوثر تحمل پذیرش همه معانی را دارد» همه مصادیق را مدلول لفظ کوثر می‌داند. وی می‌گوید: «و اللفظ یحتمل للکل فیجب أن یحمل علی جمیع ما ذکر من الأقوال.. و جمیع هذه الأقوال تفصیل للجملة التي هی الخیر الكثير»<sup>۱</sup>

#### ۸- نام بردن از حضرت فاطمه س بعنوان مصداق تکثیر نسلی

طبرسی را همچنین باید اول مفسری دانست که به نام حضرت فاطمه بعنوان مجرای کثرت نسل تصریح میکند و از کثرت عددی و تداوم زمانی نسل حضرت زهرا تا قیامت سخن می‌گوید. وی می‌گوید: «کثرة النسل و الذریة و قد ظهرت الکثرة فی نسله من ولد فاطمة (ع) حتی لا یحصی عددهم و اتصل إلى یوم القیامة مددهم»<sup>۲</sup>

نکته دیگر آنکه طبرسی در فرازهای بعدی یکی از ابعاد معجزات قرآن و صدق نبوت پیامبر را همین کثرت نسل میدانند و دیگران را به تأمل در این خصوص فراخوانده و می‌گوید: «فانظر کیف انتشر دینه و علا أمره و کثرت ذریته حتی صار نسبه أكثر من کل نسب»<sup>۳</sup>

#### تکثیر معجزه آسای نسل پیامبر در قرون چهارم تا هشتم

آنچه در قرون چهارم به بعد، مفسران را واداشت تا در فهم خود از کوثر به «عنصر تاریخ» بعنوان مرجع فهم مراجعه کنند، حوادث و رویدادهای تاریخی مرتبط با ذریه پیامبر بود. از این قرن، حضور ذریه پیامبر با نام «سلسله سادات» در بلاد مختلف اسلامی در عراق، یمن، حجاز، مصر و ایران بسیار چشم گیر می نمود. به گونه‌ای از قرن سوم جایگاهی ویژه سادات در ممالک اسلامی به نام «منصب نقابت» شکل گرفت که کارش رسیدگی به امور مختلف سادات بود و تا چند قرن تداوم داشت. تکثیر سادات به حدی رسید که در زمان ایلخانان در شهرهایی مانند شیراز، بغداد، اصفهان و دیگر شهرها برای سادات «دارالسیاده» ساختند. سادات دولت مستقل و مقتدر علویان طبرستان را تأسیس کردند که در قرون سوم و چهارم در اوج بود و در قرون بعدی هم کم و بیش ادامه داشت. حضور فراگیر سادات در سلسله قدرتمند آل بویه که تا قرن پنجم بر مناطق مختلفی از دنیای اسلام حکمرانی می‌کرد، جلوه بیشتری از تکثیر ذریه پیامبر خاتم را به نمایش می‌گذاشت. اسامی متعدد سرسلسله سادات در مناطق

۱. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۸۳۶

۲. مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۸۳۷

۳. همان، ص ۸۳۸

۴. اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبین، ص ۳۹۲

۵. ماوردی، الاحکام السطانیة، ص ۹۶

۶. همدانی، رشیدالدین، جامع التواریخ، ج ۲، ص ۱۵۳

مختلف که در منابع معتبر تاریخی انعکاس یافته است،<sup>۱</sup> خود گواه صدق پیشگویی قرآن در سوره کوثر است.

زمانی که ابوالفرج اصفهانی در قرن سوم لیست پانصد نفره سران سادات را که توسط حکام جور با هدف ریشه کنی سادات به شهادت رسیده بودند در کتاب مقاتل الطالبین جمع آوری کرد، پذیرش اینکه بعدها فراوانی سلسله سادات به جایی می رسد که کتاب های قطوری مخصوص انساب سادات به نگارش در می آید به غایت دشوار می نمود.<sup>۲</sup> در اینجا به یک گزارش تاریخی از زبان اتابک حاکم شیراز در سال ۶۵۸ هجری می کنیم که بعد از عزل یکی از قضات علوی می گوید:

«سادات در شیراز قومی انبوه اند و قدرت و ثروت فراوان دارند. اگر این اموال و منصب ها با شرف سیادت جمع شوند، چه بسا خیال حکومت در سر پیورانند و شیراز را از قبضه حکومت خارج کنند.»<sup>۳</sup>

بدون تردید استشهاد مفسران بنام به نمونه های عینی و تاریخی را باید متأثر از مشاهدات شخصی و تکثیر معجزه آسای ذریه پیامبر در قرون چهارم تا هشتم دانست. عنصر تاریخ را می توان یکی از منابع فهم و یکی از دلایل مهم گرایش مفسران برای انتخاب «کثرت نسل» بعنوان مصداق کوثر برشمرد.

#### ۹- تمرکز بیشتر در نقش حضرت زهرا بعنوان مصداق تکثیر نسلی

ابوالفتوح رازی در تفسیر روض الجنان که یکی از تفاسر واعظانه در قرن ششم محسوب میشود و آنرا به زبان فارسی برای ترویج معارف قرآنی بین ایرانیان به نگارش درآورده، بعد از ذکر اقوال متعدد درباره کوثر، می گوید که اهل تحقیق مصداق کوثر را دو مصداق نسل و حوض می دانند. وی می گوید: «و اهل علم بر آن دو قول پیشین اند از حوض و کثرت اهل البیت، و حوض، حوض رسول است و ساقی حوض امیر المؤمنین علی است فی قوله: وَ سَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا»<sup>۴</sup>

وی قول به کثرت نسل را یکی از اسباب نزول سوره می شمارد و به عنوان یکی از شواهد این قول با صراحت بیشتری سخن گفته و می گوید:

« و این قول مطابق سبب نزول سورت است، یعنی دل تنگ مکن از آنچه تو را اُتُر می خوانند که ما

۱. نخجوانی، هندوشاه، تجارب السلف، ص ۱۶۰.

۲. ابن الطقطقی، الاصلی فی انساب الطالبین، ص ۲۲ به بعد. قابل توجه است که در کمتر از بیست سال تنها از سالهای ۷۰۹ تا سال ۷۲۸ سه کتاب معتبر تاریخی (ابن فوطی، ابن عنبه، ابن طقطقی) درباره انساب سادات به نگارش درآمد که تا امروز هم مورد توجه پژوهشگران این حوزه است.

۳. شیرازی، فضل الله عبدالله، وصاف الحضرة، (تجزیه الامصار و تجزیه الاعصار)، جلد ۱، ص ۳۶.

۴. رازی، ابوالفتوح، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۴۲۷.

تو را کثرتی دهیم در عقب و نسل و فرزندان که بر زمین هیچ بقعه‌ای و خطه‌ای نماند و الا آن جا جماعتی فرزندان تو باشند. نبینی که روز طف کربلا که آن جماعت اهل البیت را بکشند از فرزندان حسین - علیه السلام - جز علی اکبر - زین العابدین - نماند. اخدای تعالی از نسل او تنها عالم پرکرد.<sup>۲</sup>

#### ۱۰- توجه به قرینه «ابتر» برای پررنگ کردن نظریه «تکثیر نسلی»

فخر رازی در تفسیر کبیر خود به نام مفاتیح الغیب (تدوین در قرن ششم) با ذکر این دلیل که چون سوره در رد کسانی نازل شده که پیامبر را ابتر و مقطوع النسل میخواندند، مراد از کوثر «کثرت نسل» حضرت است. وی در ضمن قول سوم، خوانندگان کتابش را به تفکر درباره نسل پیامبر فراخوانده و می‌گوید: «بینید که چقدر از نسل پیامبر کشته شد، با این همه جهان از نسلش پر شده و کسی از نسل بنی امیه باقی نمانده و بزرگانی چون باقر و صادق و کاظم و رضا از نسل پیامبر ظهور کردند!»  
«فانظر کم قتل من أهل البیت، ثم العالم ممتلئ منهم، و لم یبق من بنی أمیه فی الدنیا أحد یعبأ به، ثم انظر کم کان فیهم من الأكابر من العلماء کالباقر و الصادق و الکاظم و الرضا علیهم السلام و النفس الزکیة و أمثالهم»<sup>۳</sup>

جرجانی در تفسیر جلاءالاذهان که آنرا در قرن هشتم به نگارش درآورده، کوثر را به همان تکثیر نسل پیامبر تفسیر کرده و می‌نویسد:

« خدای تعالی این سوره فرستاد و رد کرد بر ایشان و گفت: ای محمد دل تنگ مکن از آنچه ایشان ترا ابتر میخوانند که ما ترا کثرتی در عقب و نسل و فرزندان بدهیم که بر زمین هیچ بقعه و خطه نماند و الا که آنجا جماعتی از فرزندان تو باشند»<sup>۴</sup>

در تفسیر نظم الدرر که یکی از تفاسیر ادبی مشهور اهل سنت در قرن نهم است، همین طور به نام حضرت زهرا و ذریه آنحضرت بعنوان مصداق کوثر اشاره شده و این مسئله را از معجزات قرآنی دانسته است. وی می‌گوید: «نسل پیامبر از ذریه فاطمه س زمین را پر کرده، در حالیکه حاکمان در قتل آنها از هیچ تلاشی فروگذار نکردند»

« أما هو صلی الله علیه و سلم فقد ملأت ذریته من فاطمه الزهراء الأرض، و هم الأشراف مع مبالغه

---

۱. لازم به ذکر است که سخن ابوالفتوح مبتنی بر نظریه ای است که امام سجاده را فرزند ارشد امام حسین میدانند. افراد دیگری هم در این نظریه با ابوالفتوح متفقند.

۲. همان، ص ۴۳۸.

۳. فخر رازی، تفسیر کبیر، ج ۳۲، ص ۳۱۳.

۴. طباطبایی، المیزان، ج ۲۰، ص ۳۷۰.



الملوک فی قتلهم، و إخلاء الأرض من نسلهم، خوفا من شرفهم العالی علی شرفهم»<sup>۱</sup>

چنین رویکردی نسبت به معجزه عملی قرآن و پیشگویی قرآن درباره کثرت نسل پیامبر تا قرن اخیر ادامه داشته و کم و بیش در منابع تفسیری مورد اشاره قرار گرفته است.

بانو امین اصفهانی در تفسیر ارزشمند مخزن العرفان در علوم قرآن با ذکر این اصل که «الکوثر» جامع و حاوی تمام احتمالاتی است که داده شده یا نشده از آنچه مفسرین گفته‌اند یا نگفته‌اند از این قول که حضرت فاطمه س مصداق کوثر باشد با عبارات زیر دفاع کرده است:

«آری (الکوثر) نسبت بذریه طاهرین آن بزرگوار و اولاد آنها که دلالت بر کثرت دارد صادق آید چنانچه می‌بینیم با آنکه بعد از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ذریه او را در کربلا شهید نمودند بطوری که از مردان آنها باقی نمانده مگر یک علی بیمار زین العابدین علیه السلام و پس از آن نیز اشیاء چنانچه تاریخ نشان می‌دهد چقدر از سادات بنی فاطمه را کشتند حبس نمودند و خواستند نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را قطع نمایند با اینحال می‌بینیم در هر مملکت و شهری بلکه هر مجلسی که بر پا میگردد چند عدد از ذریه فاطمه (ع) حضور دارند و این خود یکی از معجزات قرآن بشمار میرود»<sup>۲</sup>

#### ۱۱- اثبات حداکثری نظریه «تکثیر نسلی» بعنوان معنای کوثر

جان کلام را علامه طباطبایی در تفسیر وزین المیزان درباره مصداق کوثر بیان کرده و فاطمه زهرا س را از مصادیق کوثر دانسته است. علامه با این استدلال که این سوره برای امتنان (منت گذاری) است و خدا با جمله «انا اعطیناک» بر پیامبرش منت گذاشته است؛ گویا کوثر یک هدیه خاص به پیامبر است که با منت خداوند بر پیامبر همراه شده است.<sup>۳</sup> علامه سه قرینه برای اثبات امتنان ذکر کرده؛ اولاً با آن تأکید شده، دوم آنکه از لفظ اعطاء که ظاهر در تملیک است استفاده شده و سوم آنکه معطی را با صیغه متکلم مع الغیر ذکر کرده که دلالت بر تعظیم است. دلیل دوم که علامه به آن استناد کرده «سیاق» سوره است؛ با این توضیح که فراز اول (منت گذاری) مکمل آیه سوم (ابتر خواندن دشمن پیامبر) است. اگر کوثر معنایش کثرت نسل نباشد ابتر خواندن دشمن بی فایده و بی ربط است. سوم آنکه ظاهر دستور به نماز و قربانی شدن شتر هم امتنان است. گویا معنا اینطور است: حال که ما به تو کوثر دادیم، تو هم نماز بیا دار و قربانی کن (و المعنی إذا مننا علیک بإعطاء الکوثر فاشکر لهذه النعمه بالصلاة و النحر). علامه در نهایت می‌گوید که هرچه که باشد قطعاً کثرت ذریه یکی از مصادیق خیر

۱. بقاعی، نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور، ج ۸، ۵۴۹.

۲. اصفهانی، مجتهد امین، مخزن العرفان در علوم قرآن، ج ۱۵، ص ۳۱۱.

۳. المیزان، ج ۲۰، ص ۳۷۰.

کثیر است (و الجملة لا تخلو من دلالة علی أن ولد فاطمة (ع) ذریته (ص) و هذا فی نفسه من ملاحم القرآن الکریم فقد کثر الله تعالی نسله بعده کثر).

## ۱۲- شخص فاطمه زهرا س بعنوان تفسیر خیر کثیر

در تفسیر نمونه فاطمه زهرا با صراحت و تأکید بیشتری مصداق کوثر شمرده شده و نسل او چه از نظر کمی و چه کیفی بیانگر برکت و خیر بودن حضرت زهرا معرفی شده است. در این تفسیر آمده است:

«این "خیر کثیر" همان فاطمه زهرا ع است، زیرا نسل و ذریه پیامبر ص به وسیله همین دختر گرامی در جهان انتشار یافت نسلی که نه تنها فرزندان جسمانی پیغمبر بودند، بلکه آئین او و تمام ارزشهای اسلام را حفظ کردند، و به آیندگان ابلاغ نمودند، نه تنها امامان معصوم اهل بیت ع که آنها حساب مخصوص به خود دارند، بلکه هزاران هزار از فرزندان فاطمه ع در سراسر جهان پخش شدند که در میان آنها علمای بزرگ و نویسندگان و فقها و محدثان و مفسران والا مقام و فرماندهان عظیم بودند که با ایثار و فداکاری در حفظ آئین اسلام کوشیدند»<sup>۱</sup>.

### نتیجه

در متون تفسیری قرون دوم و سوم، مصداقی که برای واژه کوثر مطرح بوده، مصداقی غیر دنیوی یعنی «نهر بهشتی» بوده است. این مصداق با استناد به روایات عدیده<sup>۲</sup> ای که در کتب حدیثی شیعه و سنی وارد شده، بعنوان مصداق مسلم مطرح شده است. در این قرون تفاسیری همچون تفسیر ابوحمزه ثمالی، تفسیر مقاتل بن سلیمان، تفسیر فرات کوفی و تفسیر قمی، جهت<sup>۳</sup> گیری را در تفسیر واژه کوثر داشته<sup>۴</sup> اند.

در قرون چهارم و پنجم عباراتی مانند «نهر و غیره»، «ما أعطی النبی» در تفسیر واژه کوثر مطرح شده و برای اولین بار «کثرت پیروان» بعنوان تفسیر و مصداق کوثر به متون تفسیری راه یافته که از آن جمله می<sup>۵</sup> توان به تفسیر لطائف الاشارات قشیری اشاره کرد. در قرن پنجم توجه به توسعه معنایی واژه بیشتر شده و نظریاتی هم<sup>۶</sup> چون «هرچیز که در عدد یا مقدار، کثیر و فراوان باشد» و «قرآن» به عنوان مصداق کوثر توسط مفسرانی هم<sup>۷</sup> چون ثعلبی و فراء مطرح شده است. همین طور شیخ طوسی در تفسیر تبیان با تعبیر عام<sup>۸</sup> تری، کوثر را «الشیء الذی من شأنه الکثرة» را معنا کرده است.

در قرون ششم برای اولین بار عبارت «تکثیر نسل» - با استشهاد به فراوانی سادات در مناطق مختلف دنیای اسلام - توسط طبرسی در مجمع البیان مطرح شده و همین طور نام دختر پیامبر اسلام بعنوان مصدر این تکثیر مطرح گردیده است. در این قرن، ابوالفتح رازی در تفسیر مشهورش

۱. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص: ۳۷۶.

روض<sup>۱</sup> الجنان با طبرسی همسو و هم<sup>۲</sup> نظر است.

در اواخر این قرن استفاده از برخی قرائن قرآنی (تقابل با واژه ابتر)، تکثیر نسل به شکل جدی<sup>۳</sup> تری مطرح شده است. فخر رازی در تفسیر کبیر خود، علاوه بر قرینه داخلی سوره، با تأکید بر این که «جهان امروزه مملو از نسل پیامبر است» و پذیرش این کثرت بعنوان معجزه قرآنی، تکثیر نسل را بعنوان نظری برخوردار از مؤیدات قرآنی در کنار دیگر نظریات مطرح کرده است.

جرجانی در قرن هشتم و بقاعی از مفسران صاحب<sup>۴</sup> نام اهل سنت در قرن نهم (تفسیر نظم الدرر)، در این خصوص با فخر رازی هم نظر بوده و با عباراتی مشابه از «ولد فاطمه» سخن گفته<sup>۵</sup> اند. این نظریه تا قرن اخیر هم ادامه داشته و بانو امین اصفهانی در تفسیر پانزده جلدی مخزن العرفان، با قوت بیشتری از این نظریه به دفاع پرداخته است.

اوج این تطور تاریخی به دو تفسیر مطرح معاصر یعنی المیزان و تفسیر نمونه مربوط میشود که یکی با مدد گرفتن از قرائن متعدد درون سوره، کثرت نسل را نه در حد یک احتمال بلکه بعنوان یک نظریه اثبات نموده و دیگری هم با صراحت بیشتری «وجود حضرت فاطمه س» را بعنوان مصداق کوثر معرفی کرده است.

## منابع

- 1- ابن الطقطقی، محمد بن تاج الدین (۱۴۱۸ق)، *علی، الاصلی فی انساب الطالبین*، تصحیح رجایی، قم، مکتبه مرعشی نجفی.
- 2- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق)، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، ۲۰جلد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی - ایران - مشهد مقدس، چاپ: ۱.
- 3- ابوحمزه ثمالی (۱۴۲۰ق)، ثابت بن دینار، *تفسیر القرآن الکریم (ثمالی)*، ۱جلد، دار المفید - لبنان - بیروت، چاپ: ۱.
- 4- اصفهانی، ابوالفرج، علی بن حسین (۱۳۵۶ش)، *مقاتل الطالبین*، قم، دارالشریف الرضی.
- 5- امین، نصرت بیگم (بی تا)، *تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن*، ۱۵جلد، [بی جا]، چاپ: ۱.
- 6- بحرانی، هاشم بن سلیمان، *البرهان فی تفسیر القرآن*، ۵جلد، موسسه البعثه، قسم الدراسات الإسلامیة - ایران - قم، چاپ: ۱، ۱۴۱۵ ه.ق.
- 7- بقاعی، ابراهیم بن عمر (۱۴۲۷ق)، *نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور*، ۸جلد، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون - لبنان - بیروت، چاپ: ۳.
- 8- بیضاوی، عبدالله بن عمر، *انوارالتنزیل و اسرار التاویل، (تفسیر البیضاوی)*، ۵جلد، دار إحياء التراث العربی - لبنان - بیروت، چاپ: ۱، ۱۴۱۸ ه.ق.
- 9- تستری، سهل بن عبدالله (۱۴۲۳ق)، *تفسیر التستری*، ۱جلد، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون - لبنان - بیروت، چاپ: ۱.
- 10- ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق)، *الکشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی*، ۱۰جلد، دار إحياء التراث العربی - لبنان - بیروت، چاپ: ۱.
- 11- جرجانی، حسین بن حسن (۱۳۷۸ق)، *جلاء الأذهان و جلاء الأحزان (تفسیر گازر)*، ۱۱جلد، دانشگاه تهران - ایران - تهران، چاپ: ۱.
- 12- حویزی، عبدعلی بن جمعه، *تفسیر نورالثقلین*، ۵جلد، اسماعیلیان - ایران - قم، چاپ: ۴، ۱۴۱۵ ه.ق.
- 13- زمخشری، محمود بن عمر، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، ۴جلد، دار الکتب العربی - لبنان - بیروت، چاپ: ۳، ۱۴۰۷ ه.ق.
- 14- شیبانی، محمد بن حسن (۱۴۱۳ق)، *نهج البیان عن کشف معانی القرآن*، ۵جلد، نشر الهادی - ایران - قم، چاپ: ۱.
- 15- شیرازی، فضل الله (۱۳۳۸ش)، *وصاف الحضرة، تجزیه الامصار و تجزیه الاعصار*، (مشهور به

- تاریخ و صاف)، تهران، ابن سینا، جلد ۱.
- 16- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ۲۰ جلد، مؤسسه‌ی اعلیٰ للمطبوعات - لبنان - بیروت، چاپ: ۲.
- 17- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ۱۰ جلد، ناصر خسرو - ایران - تهران، چاپ: ۳.
- 18- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)*، ۳۰ جلد، دار المعرفة - لبنان - بیروت، چاپ: ۱.
- 19- طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، ۱۰ جلد، دار إحياء التراث العربی - لبنان - بیروت، چاپ: ۱.
- 20- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، ۳۲ جلد، دار إحياء التراث العربی - لبنان - بیروت، چاپ: ۳.
- 21- فراء، یحیی بن زیاد (۱۹۸۰م)، *معانی القرآن (فراء)*، ۳ جلد، هیئته‌ی المصریة العامه‌ی للکتاب - مصر - قاهره، چاپ: ۲.
- 22- قشیری، عبدالکریم بن هوازن (۲۰۰۰م)، *لطائف الاشارات : تفسیر صوفی کامل للقرآن الکریم*، ۳ جلد، هیئته‌ی المصریة العامه‌ی للکتاب - مصر - قاهره، چاپ: ۳.
- 23- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳ش)، *تفسیر القمی*، ۲ جلد، دار الکتب - ایران - قم، چاپ: ۳.
- 24- کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ق)، *تفسیر فرات الکوفی*، ۱ جلد، وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، مؤسسه‌ی الطبع و النشر - ایران - تهران، چاپ: ۱.
- 25- ماوردی، علی بن محمد (ابوالحسن) (۱۳۵۵ق)، *الاحکام السلطانیة*، بیروت، دارالکتب الاسلامیة.
- 26- مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق)، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، ۵ جلد، دار إحياء التراث العربی - لبنان - بیروت، چاپ: ۱.
- 27- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش)، *تفسیر نمونه*، ۲۸ جلد، دارالکتب الإسلامیة - ایران - تهران، چاپ: ۱۰.
- 28- نخجوانی، هندوشاه (بی تا)، *تجارب السلف*، تصحیح اقبال آشتیانی، تهران، نشر طهوری.
- 29- همدانی، رشیدالدین (۱۳۷۳ش)، *جامع التواریخ*، تصحیح روشن و موسوی، تهران، نشر البرز.
- 30- یزیدی، عبدالله بن یحیی (۱۴۰۵ق)، *غریب القرآن و تفسیره*، ۱ جلد، عالم الکتب - لبنان - بیروت، چاپ: ۱.